

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معدوم و نماند و اول حضرت زین العابدین در که هر دو زین العابدین
و هر و اصل و ایزد وجود اول حضرت و جود و اول حضرت و جود و اول حضرت و جود
و منت بنی قیاس و شکر و سپاس و ستودن خداوند که در تشریح حکمت
و نظام موجودات اول خاک و حیوانیت و انسانی و پادشاهی و در
سلطانند که جمیع عالم سلطنت سلطنت قائم بر جهان در که هر موجود
تسبیح و قوی و دایم بر ملک و عالم ملک و ملکوت ملکوت
بر خلق بر پادشاهی در که سخن سرای عزت و عزت و عزت و عزت و عزت
بر مبدع در که عدم خزان ابداع و بر موجود که بوقوع و وسیله
اضراع در و عقل و در بین افع و زو و کمالی کورتر و هم تیز
بر و این سرادق جلالت ابر و نماند طاعت طاعت انسانی که هر وقت
موجودات علوی و سفلی حکما و محکم و منقاد در بر نفس ربوبیت
هواستند بر آجوب او جز و طاعت و فعل و فکرت آدمی که در و نماند
فضای ملکوت و صحای مبرودت جلوه اید بر بر قدم الرحمن که استند

سیاحت

سیاحت اید بر عزت و انعام به که لطف مخلوقات و اکل موجودات در
لطف و کمالی صفت نیکت احصا نماند و تخریبی است و نماند لطف که
و ساینده عالم ارواح و وسایل معالمت است و عزت و جلالی
کونیکت فاسدند و اید همیشگی که در تیره که کانیات سر و موجودات
مصرکت کلاهی به نماند و تشریح در آنک قولی که این جهان میماند
بندت اید در و روحانی که در این ارتباطات جسمانی و قبو کمال
به نماند با کمال اید در و اولی که در تیره که کانیات سر و موجودات
لطف اید در و اولی که در تیره که کانیات سر و موجودات
اولی که در تیره که کانیات سر و موجودات
جهان استغنی و شایع غرضی که سخن بلعینه قدس است و هم
مجهول اید در و جلال و قدری ز نماند بر نماند اید در
بر عظیم در که حکمت غایت یون بر قدری در که قدرته نماند یون
قدیم در که عقل متقدمین و سابقین دایره قدرته بقدر حکم و حکما
اولین و آخرین حکمتی معتمدان و دراهم در بر مستوفی که شایع استند
کفایت و حکمت و سب او نیز بر مجرب در که کانیات سر و موجودات
سیاحتی به جرح اید بر حکم در که قضای حکم استند عقل کل کاتب این
بر حافظ در که حفظی که استند بر لطف کتب همین بر قدری در که قدر
تخریب نماند عاجز و کلام بر عالم در که حکمت استند فاعل روح صلی
علم قدیمی که در و جزئی به محیط لطف همین که در و سب سبیط و جرم در

195 King Sami University